

مطالعه تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرسان حاوی بند تداوم فعالیت

مهری علیمزادی^۱

حدیث عبدی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۶ تاریخ چاپ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

چکیده

بررسی تأثیر اعتماد بیش از حد مدیریتی بر روی سیاست‌های شرکت از قبیل خط‌مشی و سیاست‌های حسابداری شرکت موضوع مهمی است؛ چرا که اعتماد بیش از حد می‌تواند منجر به تصمیماتی گردد که ارزش شرکت را از بین می‌برد و تداوم فعالیت شرکت - ها با خطر ورشکستگی روبه رو کند؛ بنابراین هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرسان حاوی بند تداوم فعالیت و همچنین آزمون بیش‌تر به‌منظور بررسی اثر توانایی مدیریت بر رابطه بیش اطمینانی و صدور گزارش حسابرسان مبنی بر تداوم فعالیت صورت گرفته است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ است که پس از اعمال غربال‌گری شامل ۷۰ شرکت می‌باشد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی بوده است. در این مطالعه، به علت نوع داده‌ها و محدودیت در دستیابی به آن‌ها، از روش لجستیک استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها در این پژوهش، می‌توان گفت که بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرسان حاوی بند تداوم فعالیت رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. همچنین نتایج نشان داده است که رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرسان حاوی بند تداوم فعالیت در شرکت‌هایی با کمیته حسابرسی قوی، نسبت به شرکت‌هایی با مدیریت قوی، قوی‌تر است. همچنین یافته‌های این پژوهش حاکی از آن هست که توانایی مدیران بر رابطه بین بیش اطمینانی و صدور گزارش حسابرسان مبنی بر تداوم فعالیت اثر معناداری نداشته است.

واژگان کلیدی

بیش اطمینانی مدیران، توانایی مدیریت، صدور گزارش حسابرسان حاوی بند تداوم فعالیت

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. alimoradimehri1991@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول) hadisabdi.2020@gmail.com

۱. مقدمه

حسابداری مدیریت به عنوان فرآیند شناسایی، اندازه گیری، جمع آوری، تجزیه و تحلیل، تدارک، مشارکت و ارتباط با اطلاعات مالی مورد استفاده مدیریت در برنامه ریزی، ارزیابی، کنترل عملیات داخلی سازمان تعریف می گردد که امروزه در هدایت بنگاه ها و تحقق اهداف آنها، نقش قابل توجهی دارد (رهنمای رود پستی، ۱۳۸۷). اطلاعات حسابداری مدیریت غالباً دو منظور اصلی تسهیل در تصمیم گیری و تأثیر بر تصمیم گیری را تأمین می کند و با ارائه اطلاعات مفید، تصمیم گیرندگان را در انتخاب بهترین راه حل از میان راه حل ها یاری می دهد (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۲). یکی از سرمایه های انسانی که نقش مهمی در تبدیل منابع شرکت به درآمد و خلق ارزش برای سهامداران دارد، مدیران شرکت های تجاری هستند (نمازی و غفاری، ۱۳۹۴)؛ از طرفی ویژگی های مدیران شرکت ها می تواند بر فرآیند تصمیم گیری آنها در رابطه با شرکت اثر بگذارد و تصمیم گیری های مدیریتی می تواند تأثیر بسزایی بر عملکرد شرکت داشته باشد (آندرو و همکاران^۱، ۲۰۱۳). از جمله ویژگی های مهم مدیران در ایران، بیش اطمینانی و توانایی مدیریت می باشد.

یکی از تورش های رفتاری که افراد به آن مبتلا هستند بیش اطمینانی است. بیش اطمینانی باعث می شود که انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک را کمتر از حد تخمین بزند. این تورش رفتاری همچنین باعث می شود که احساس کنیم روی مسائل کنترل داریم؛ در حالی که ممکن است در واقع این گونه نباشد. نکته قابل توجه این است که هرچه دانش و مهارت فرد در حوزه ای بیشتر باشد، اعتماد فرد به دانش خود نیز بیشتر خواهد شد. (رهنمای رود پستی، ۱۳۹۱). همان طور که گفته شد مدیران همواره نقش مهم و حیاتی در سازمان ها ایفا می کنند. اثر مدیران برجسته در کسب درآمد، سود و موفقیت های سازمانی، امروزه به خوبی در بسیاری از سازمان های موفق بارز و آشکار است (کرمی، ۱۳۸۶). در ادبیات مالی توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت ها است که به عنوان دارایی نامشهود طبقه بندی می شود (آندرو و همکاران، ۲۰۱۳)؛ به عبارت دیگر، اطلاعات مرتبط با قابلیت مدیران از جمله توانایی آنها در استفاده از فرصت های سرمایه گذاری، تأمین منابع، تخصیص بهینه منابع و دانش و تجربه آنها، یکی از ابعاد مهم و ارزشمند دارایی های نامشهود شرکت های تجاری محسوب می شود (نمازی و غفاری، ۱۳۹۴). به عنوان مثال دمیرجان و همکاران (۲۰۱۲)؛ توانایی مدیریتی بالاتر می تواند منجر به مدیریت کاراتر عملیات روزانه شرکت شود (آندرو و همکاران، ۲۰۱۳). استانداردهای حسابرسی ملزم می کند که حسابرسان در موقع ارزیابی ریسک حسابرسی، نگرش مدیریت را در نظر بگیرند. ارزیابی مناسب از مدیریت مهم است، زیرا نگرش های مدیریت می تواند از طریق شکل دادن فرهنگ اخلاقی و اجتماعی شرکت بر ریسک حسابرسی آن اثرگذار باشد (کوسو^۲، ۲۰۱۳). با توجه به اینکه مدیریت یکی از منابع اطلاعاتی مهم برای حسابرسان است، لذا حسابرسان هنگام ارزیابی قابلیت اطمینان شواهد حسابرسی ارائه شده توسط مدیریت، صلاحیت مدیران را در نظر می گیرند. در واقع هدف حسابرس، اثبات قابلیت اطمینان شواهد حسابرسی است که به عنوان پشتوانه ای برای اظهار نظر حسابرس استفاده گردد. از جمله مواردی که حسابرس در رابطه با آن اظهار نظر می کند و پشتوانه ای این اظهار نظر هم شواهد حسابرسی موثق می باشد، اظهار نظر مبنی بر تداوم فعالیت شرکت است (کیم^۳، ۲۰۱۷). در واقع برای انجام امور حسابداری، یکی از بنیادی ترین مفروضات این است که واحد تجاری تا آینده ای نامحدود به حیات خود ادامه خواهد داد. بسیاری از تعهداتی که شرکت می پذیرد، بر اساس این فرض بنیادی قرار دارد. در استاندارد حسابرسی ایران،

1) Andreou et al

2) COSO

3) Kim

بخش ۵۷۰، با عنوان تداوم "تداوم فعالیت"، در ارتباط با نحوه‌ی برخورد حسابرسان با مسئله ابهام در تداوم فعالیت شرکت صاحب‌کار چنین آمده است: حسابرس در جریان برنامه‌ریزی و اجرای روش‌های حسابرسی و ارزیابی نتایج حاصل از آن، باید مناسب بودن استفاده‌ی مدیریت را از فرض تداوم فعالیت در تهیه‌ی صورت‌های مالی، بررسی کند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۳).

حال در این پژوهش این موضوع بررسی می‌گردد که تا چه اندازه تصمیم حسابرس مبنی بر تداوم فعالیت تحت تأثیر ویژگی‌های مدیریت، همچون بیش اطمینانی و توانایی مدیریت قرار می‌گیرد. پیش‌بینی می‌شود که زمانی که مدیران دارای بیش اطمینانی باشند، احتمال اینکه حسابرس نظر مبنی بر تداوم فعالیت را صادر کند بالا می‌رود و این احتمال که مدیریت حسابرس را در سال بعد از صدور گزارش مبنی بر تداوم فعالیت، تغییر دهد نیز افزایش می‌یابد؛ حال مدیرانی که دارای بیش اطمینانی و از طرف دیگر توانایی بالایی نیز دارند، این توانایی رابطه بین بیش اطمینانی و ارائه نظر مبنی بر تداوم فعالیت تعدیل کرده و بر آن اثر منفی می‌گذارد. البته در این پژوهش، قدرت مدیریت و کمیته حسابرسی نسبت به هم و تأثیری که بر روی رابطه پیش‌گفته دارد، نیز بررسی می‌شود. وجود کمیته حسابرسی قوی می‌تواند دخالت مدیران در فرآیند حسابرسی یا ابتیاع خدمات حسابرسی بیشتر به‌منظور تهاثر ریسک‌های منتسب به بیش اطمینانی مدیران جلوگیری کند. سازگار با این ادعا که کمیته حسابرسی قوی، نفوذ مدیریت را کاهش می‌دهد، هالیوان و همکاران (۲۰۱۴)، دریافتند که شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی قوی کمتر حسابرسان وابسته به مدیران را استخدام می‌کنند؛ بنابراین پیش‌بینی می‌شود که در صورتی که در یک شرکت مدیریت دارای قدرت بیشتری نسبت به کمیته حسابرسی باشد، احتمال تغییر حسابرس در سال بعد از صدور گزارش افزایش نیابد و در حالت عکس این قضیه، انتظار می‌رود که از حسابرس در مقابل تغییر در سال بعد از صدور گزارش حفاظت شود؛ پس پیش‌بینی می‌شود که در این حالت ارائه نظر مبنی بر تداوم فعالیت افزایش یابد؛ بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش بوده است که آیا بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت رابطه معناداری وجود دارد و آیا توانایی مدیران بر این رابطه تأثیر معناداری داشته است یا خیر.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲.۱. بیش اطمینانی

اطمینان بیش‌ازحد یک ویژگی شخصیتی است که می‌تواند به‌صورت اریب رفتاری و داشتن اعتقاد غیرواقعی (مثبت) در رابطه با هر یک از جنبه‌های یک پیشامد در شرایط عدم اطمینان تعریف شود. در این صورت در برآورد میانگین اغراق خواهد شد. مدیران به دلیل خوش‌بینی بیش‌ازحد ممکن است جریان نقدی حاصل از پروژه‌ها را بالاتر از ارزش واقعی‌شان ارزش‌گذاری کنند. از طرف دیگر آنان اعتقاد دارند که بازار شرکت آنان را کمتر از واقع ارزش‌گذاری می‌کند و باعث می‌شود تأمین مالی پرهزینه باشد، به همین دلیل در صورتی که شرکت دارای منابع داخلی باشد ممکن است مدیرانی با اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری از خود نشان دهند اما در صورتی که تأمین مالی پروژه‌ها نیازمند منابع خارجی باشد ممکن است سرمایه‌گذاری کم صورت گیرد (مالمندیر^۴، ۲۰۰۵). به نظر هاید، متون مربوط به روانشناسی دو تعریف از اطمینان بیش‌ازاندازه ارائه داده‌اند: (۱) برآورد بیش از واقع از توانایی‌های خود دارند. (۲) افراد یک رویداد را معین‌تر از آنچه واقعاً هست می‌بینند. (سعیدی و فراهانیان، ۱۳۹۰). مدیرانی که اعتمادبه‌نفس بیشتری دارند، با استفاده از سازوکار تخمین بیش از واقعیت توانایی و مهارت خود نسبت به دیگران، ارزیابی بیش از واقعی از بازگشت

4) Malmendier

تقاضای فروش به سطح قبلی دارند. در نتیجه مدیران احتمال سطح فروش آتی را بیش از واقعیت برآورد می کنند. در مجموع هر دو سازوکار رفتاری مذکور موجب می شود مدیرانی که اعتماد به نفس بیشتری دارند، احتمال افزایش فروش در آینده را بیش از واقعیت تخمین بزنند و به دنبال آن احتمالاً منابع بیشتری برای هزینه های فروش و اداری در سطح فروش کاهش یافته فعلی نگهداری می کنند که این رفتار موجب افزایش چسبندگی هزینه ها می شود. اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت یکی از ویژگی های پایدار مدیریتی است که بر سوگیری مثبت در انتظارات مدیریت تکیه دارد. دلیل رفتاری با دلایل نظریه نمایندگی بیان شده در مطالعات پیشین نیز تفاوت اساسی دارد. بر اساس نظریه نمایندگی، انگیزه مدیران در نگهداری منابع اضافی برای هزینه های اداری و فروش، با دلایل فرصت طلبانه ای چون انگیزه های قدرت طلبانه یا مدیریت سود ارتباط دارد. اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت یک ویژگی رفتاری مثبت است که بر اساس آن مدیران اعتقاد دارند نگهداری منابع اضافی برای هزینه های فروش و اداری در راستای تأمین بهتر منافع سهامداران است (چن و همکاران^۵، ۲۰۱۳). از طرفی مدیرعامل بیش اطمینان به وسیله دست بالا گرفتن نتایج مطلوب و دست کم گرفتن خطای نتایج محتمل تعریف می شود؛ بنابراین استدلال شده است که اطمینان بیش از اندازه مدیرعامل نوعی از تشخیص پیش از وقوع است که جایگاه گزارش مالی نادرست را توجیه می کند که می تواند به ارائه مجدد ختم بشود. علاوه بر این ادعا شده است که چون مدیرعامل بیش از حد مطمئن ممکن است از تعصب خود، آگاه نباشد، در ذهن خود به صورت ناخواسته صورت های مالی را بیش از حد خوش بینانه، غلط و غیرواقعی ترجیح دهد. (پریسلی و ابوت^۶، ۲۰۱۳). دو عامل رفتاری مرتبط با اطمینان بیش از حد مدیران منجر به افزایش انتظارات تقاضای آتی می شود:

۱) درجه بندی اشتباه یا غلط (اثر پایین تر از واریانس) دلالت بر اعتماد بسیار پایین نسبت به نتایج مورد انتظار دارد. متداول ترین نوع اطمینان بیش از حد در ادبیات مالی است که گاهی از آن به اطمینان بیش از حد در پیش بینی نام برده می شود و در آن معمولاً افراد دقت دانش خود را بیشتر و ریسک و واریانس متغیرهای تصادفی را کمتر از آنچه هست تخمین می زنند و فاصله اطمینان های بسیار باریکی در پیش بینی های خود دارند (لیبی و رنه کمپ، ۲۰۱۲).

۲) خوش بینی مفرط یا غیرواقع بینانه (اثر بالاتر از میانگین) این مفهوم از ادبیات مالی برگرفته شده از مفاهیم روانشناسی و خوش بینی واهی است. در این نوع از اطمینان بیش از حد، افراد مهارت های خود را بیش از آنچه هست تخمین می زنند در واقع نگرش خوش بینی مفرط نسبت به درآمدهای آینده، مدیران را به سمت اتخاذ تصمیمات بر مبنای پیش بینی های خود سوق می دهد (هریبار و یانگ^۷، ۲۰۱۶).

۲.۲. توانایی مدیریت

مدیران همواره نقش مهم و حیاتی در سازمان ها ایفا می کنند. اثر مدیران برجسته در کسب درآمد، سود و موفقیت های سازمانی، امروزه به خوبی در بسیاری از سازمان های موفق بارز و آشکار است (کرمی، ۱۳۸۶). در ادبیات مالی توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت ها است که به عنوان دارایی نامشهود طبقه بندی می شود (آندرو و همکاران، ۲۰۱۳)؛ به عبارت دیگر، اطلاعات مرتبط با قابلیت مدیران از جمله توانایی آن ها در استفاده از فرصت های سرمایه گذاری، تأمین منابع، تخصیص بهینه منابع و دانش و تجربه آن ها، یکی از ابعاد مهم و ارزشمند دارایی های نامشهود شرکت های

5) Chen et al

6) Presley & Abbott

7) Hribar & Yang

تجاری محسوب می‌شود (نمازی و غفاری، ۱۳۹۴). توانایی مدیریتی یکی از ویژگی‌های مهم است که شرکت‌ها هنگام استخدام مدیران در نظر می‌گیرند؛ زیرا توانایی مدیریتی می‌تواند بر استفاده و تخصیص مطلوب منابع اثر بگذارد. مدیر توانا تصمیم به حداکثر کردن ارزش شرکت می‌گیرند. برای رسیدن به این هدف، مدیر توانا به‌طور مداوم تصمیمات استراتژیک می‌گیرند و در راستای افزایش ارزش شرکت برنامه‌ریزی می‌کند (هایز و شفر^۸، ۱۹۹۹).

در ادبیات حسابداری، توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت‌هاست که به‌عنوان دارایی نامشهود طبقه‌بندی می‌شود. به‌عنوان مثال دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲) توانایی مدیریت را به‌عنوان کارایی مدیران نسبت به رفتار در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. این منابع تولید درآمد در شرکت‌ها شامل بهای موجودی‌ها، هزینه‌های اداری و توزیع و فروش، دارایی‌های ثابت، اجاره‌های عملیاتی، هزینه‌های تحقیق و توسعه و دارایی‌های نامشهود شرکت می‌شود. توانایی مدیریتی بالا می‌تواند منجر به مدیریت کاراتر عملیات روزانه شرکت شود مخصوصاً در دوره‌های بحرانی که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند تأثیر بسزایی بر عملکرد شرکت داشته باشد (آندرو و همکاران، ۲۰۱۳).

۳.۲. صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت

فرض تداوم فعالیت، یک اصل بنیادی در تهیه صورت‌های مالی است. طبق فرض تداوم فعالیت، واحد مورد رسیدگی معمولاً به‌عنوان واحدی فرض می‌شود که در آینده قابل پیش‌بینی به فعالیت خود ادامه می‌دهد و قصد یا الزامی برای انحلال، توقف فعالیت، یا کاهش قابل توجه در حجم عملیات را ندارد؛ بنابراین، دارایی‌ها و بدهی‌ها بر مبنای توانایی واحد مورد رسیدگی در بازیافت دارایی‌ها و تسویه‌ی بدهی‌ها در جریان عادی فعالیت‌های تجاری، ثبت می‌شود (استاندارد شماره ۵۷۰ حسابرسی، ۱۳۸۳). گزارش مبنی بر تداوم فعالیت، به‌صورت مستقیم، از طریق مشاهده عملکرد آتی شرکت توسط حسابرس ارائه می‌گردد؛ بنابراین بررسی ارتباط بین ویژگی‌های مدیریت (اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد و توانایی) و صدور گزارش مبنی بر تداوم فعالیت، نشان می‌دهد که آیا حسابرسان در هنگام صدور گزارش مبنی بر تداوم فعالیت، علاوه بر دیگر ویژگی‌های شرکت، ویژگی‌های مدیریتی را هم در نظر می‌گیرند؟ متغیر صدور نظر حسابرس مبنی بر تداوم فعالیت در قالب مدل‌های سنجش فرضیه‌ها بررسی می‌گردد (کیم، ۲۰۱۷).

اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت: طبق بخش ۵۷ استانداردهای حسابرسی ایران، در صورت وجود ابهام بااهمیت و عدم افشای کافی در صورت‌های مالی، حسابرس باید نظر مشروط ارائه کند و همچنین در موارد وجود ابهام اساسی درباره تداوم فعالیت یا وجود موارد متعدد ابهام بااهمیت، شامل ابهام درباره تداوم فعالیت که آثار بالقوه آن درمجموع اساسی باشد، حسابرس باید صرف‌نظر از افشا یا عدم افشای آن‌ها در صورت‌های مالی، نسبت به آن صورت‌ها، عدم اظهارنظر ارائه کند (کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۹). با توجه به اینکه مدیریت یکی از منابع اطلاعاتی مهم برای حسابرسان است، لذا حسابرسان هنگام ارزیابی قابلیت اطمینان شواهد حسابرسی ارائه‌شده توسط مدیریت، صلاحیت مدیران را در نظر می‌گیرند. درواقع هدف حسابرس، اثبات قابلیت اطمینان شواهد حسابرسی است که به‌عنوان پشتوانه‌ای برای اظهارنظر حسابرس استفاده گردد. ازجمله مواردی که حسابرس در رابطه با آن اظهارنظر می‌کند و پشتوانه‌ی این اظهارنظر هم شواهد حسابرسی موثق می‌باشد، اظهارنظر مبنی بر تداوم فعالیت شرکت است (کیم، ۲۰۱۷). وجود کمیته حسابرسی قوی می‌تواند دخالت مدیران در فرآیند حسابرسی یا ابتیاع خدمات حسابرسی

بیشتر به منظور تهاثر ریسک‌های منتسب به بیش اطمینانی مدیران جلوگیری کند. سازگار با این ادعا که کمیته حسابرسی قوی، نفوذ مدیریت را کاهش می‌دهد، هالیوان و همکاران (۲۰۱۴)، دریافتند که شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی قوی کمتر حساب‌رسان وابسته به مدیران را استخدام می‌کنند؛ بنابراین پیش‌بینی می‌شود که در صورتی که در یک شرکت مدیریت دارای قدرت بیشتری نسبت به کمیته حسابرسی باشد، احتمال تغییر حسابرس در سال بعد از صدور گزارش افزایش نیابد و در حالت عکس این قضیه، انتظار می‌رود که از حسابرس در مقابل تغییر در سال بعد از صدور گزارش حفاظت شود؛ پس پیش‌بینی می‌شود که در این حالت ارائه نظر مبنی بر تداوم فعالیت افزایش یابد.

۳. پیشینه پژوهش

پاتریک و همکاران (۲۰۱۴)، تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی در اجرای حسابرسی داخلی را بررسی نمودند. نتایج آن‌ها نشان داد که فشار تنظیم مقررات برای افزایش تخصص و استقلال کمیته حسابرسی نسبت به مدیریت کم است که منجر به بی‌نظمی حسابداری اقلام غیر تعهدی و در نتیجه کاهش سودآور شرکت‌ها می‌شود.

بک و مالدین (۲۰۱۴)، در پژوهشی تحت عنوان "چه کسی واقعاً تغییر خواهد کرد؟ کمیته حسابرسی در برابر قدرت مدیریت و حق الزحمه حسابرس"، دریافتند که در طول دوران بحران اقتصادی و بحران مالی در شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی قوی، حق الزحمه کوچکتر کاهش می‌یابد.

کیم (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان "تأثیر بیش اطمینانی مدیران و توانایی مدیران و تصمیم حسابرس مبنی بر تداوم فعالیت و تغییر حسابرس" به این نتیجه رسیدند که بین بیش اطمینانی مدیران و تصمیمات حسابرس مبنی تداوم فعالیت رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. همچنین نتایج وی نشان داد که ویژگی‌های مدیریتی بر تغییر حسابرس در سال بعد از صدور گزارش حسابرس مبنی بر تداوم فعالیت تأثیر معناداری داشته است و این رابطه در شرکت‌هایی با مدیریت قوی، قوی‌تر از شرکت‌هایی با کمیته حسابرسی قوی است.

مرادی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان "اظهار نظر حسابرس و مدیریت سود با تأکید بر ابهام در تداوم فعالیت" به این نتیجه دست یافتند که بین مدیریت سود و اظهار نظر مشروط حسابرس مبنی به دلایلی جزء ابهام در تداوم فعالیت، ارتباط معناداری مشاهده نشده است. یافته‌های وی حاکی از آن است که ابهام در مورد تداوم فعالیت شرکت صاحبکار، ریسک ذاتی حسابرسی را در صورت وجود مدیریت سود، افزایش می‌دهد.

دستگیر و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان "تأثیر اعتماد بنفس بیش از حد مدیران ارشد بر آشفتگی مالی"، به بررسی تأثیر اعتماد بنفس بیش از حد مدیران ارشد بر آشفتگی مالی شرکت‌ها پرداخته است. نتایج نشان داد که میزان آشفتگی مالی شرکت‌های که مدیران آن‌ها دارای اعتماد بنفس بیش از حد هستند، به طور معناداری بیشتر از آشفتگی مالی شرکت‌هایی است که مدیران آن‌ها فاقد اعتماد بنفس بیش از حد هستند.

ایزدی نیا و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان "تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، برای نخستین بار به بررسی توانایی مدیریت بر کیفیت سود پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که توانایی مدیریت در ارائه صورت‌های مالی (سود یا زیان)، به عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود، تأثیر منفی دارد.

رضایی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان "نقش توانایی مدیریت در تغییر داوطلبانه و اجباری حسابرس"، به بررسی نقش توانایی مدیریت در تغییر اجباری و داوطلبانه حساب‌رسان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

تهران پرداخته است. نتایج حاصل از تحقیقات نشان داد که در سطح کل صنعت، توانایی مدیریت، اثری در تغییر اختیاری و داوطلبانه‌ی حسابرس ندارد، اما در سطح هر صنعت مشاهده شد که در صنایع فلزی بین توانایی مدیریت و تغییر داوطلبانه حسابرس رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

دهکردی و حیدری (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی توانایی مدیریت با حق الزحمه و اظهار نظر حسابرسی مبنی پیرامون تداوم فعالیت" به این نتیجه رسیدند که با افزایش میزان توانایی مدیران، حق الزحمه حسابرسی و احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی واحد تجاری کاهش می‌یابد. به طور کلی یافته‌های تحقیق وی نشان می‌دهد که توانایی مدیریت، عامل تأثیر گزار بر تصمیمات حسابرسان است.

سپاسی و وصفی (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان "بیش‌اعتمادی مدیران و حق الزحمه حسابرسی با تأکید بر نقش کمیته حسابرسی"، به بررسی رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیران و حق الزحمه حسابرسی و همچنین اثر قدرت کمیته حسابرسی روی این رابطه پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که مدیران بیش‌اعتماد تمایل دارند توانایی خود و پرداخت آتی پروژه‌ها را بیش از حد برآورد می‌کنند و احتمال ورود رویدادهای ناسازگار را ناچیز می‌پندارند و همچنین نتایج نشان داد که یک کمیته حسابرسی قوی می‌تواند ریسک حسابرسی مرتبط با بیش‌اعتمادی را تعدیل کند.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین بیش‌اطمینانی مدیریت و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت، رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.

فرضیه دوم: توانایی مدیریت، بر رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت، اثر معنادار دارد.

فرضیه سوم: قدرت بیشتر کمیته حسابرسی نسبت به مدیریت، بر رابطه بین ویژگی‌های مدیریت (بیش‌اطمینانی و توانایی) و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت، اثر معنادار و مثبت دارد.

۴. روش تحقیق

این پژوهش از جنبه هدف، از نوع تحقیقات کاربردی، به شمار می‌رود. همچنین از بُعد نحوه استنباط در خصوص فرضیه‌های پژوهش، در گروه تحقیقات توصیفی-همبستگی قرار می‌گیرد، زیرا برای کشف روابط بین متغیرهای تحقیق، از رگرسیون و همبستگی استفاده خواهد شد که به این ترتیب از استدلالی، استدلال استقرایی است. همچنین از آنجا که از طریق آزمایش داده‌های موجود، نتیجه‌ای حاصل خواهد شد، این تحقیق در گروه تئوری‌های اثباتی قرار می‌گیرد. در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها از مدل لاجستیک بهره گرفته شده است و با استفاده از نرم افزارهای ۱۰ EViews تجزیه و تحلیل نتایج مربوط استخراج شد.

۴.۱. جامعه آماری و نمونه‌گیری

در این تحقیق، تمامی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازده زمانی سال ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۳۹۷ به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است. سپس نمونه آماری به روش حذف سیستماتیک انتخاب شده است. در این روش ابتدا شرایطی جهت انتخاب نمونه تعریف شده و شرکت‌های فاقد شرایط مذکور از نمونه حذف شده‌اند. جامعه آماری تحقیق با توجه به شرایط و ملاحظات ذیل، محدود شده و نمونه آماری که شامل ۴۲۰ سال شرکت است، از آن استخراج شده است:

۱. از ابتدای سال ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۳۹۷ عضو بورس اوراق بهادار تهران باشند.

۲. دوره مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.

۳. وقفه معاملاتی بیش از شش ماه نداشته باشند.

۴. عضو شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا بانک‌ها یا هلدینگ‌ها نباشند.

۵. اطلاعات مورد نیاز در رابطه با این شرکت‌ها در دسترس باشد.

۲. تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

۴. ۲. ۱. متغیر مستقل: بیش اطمینانی

بیش اطمینانی یا اعتماد به نفس بیش از حد، یکی از مهم‌ترین مفاهیم مالی مدرن است که هم در تئوری‌های مالی و هم روانشناسی جایگاه ویژه‌ای دارد. اطمینان بیش از حد سبب می‌شود که انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک‌ها را کمتر از حد تخمین زده و احساس کند که روی مسائل و رویدادها کنترل دارد، درحالی که ممکن است درواقع این گونه نباشد (فلاح شمس لیلاستانی و همکاران، ۱۳۸۹). در سال‌های اخیر مطالعاتی انجام پذیرفته که اذعان می‌دارند مدیران همواره به صورت عقلانی عمل نکرده و مدیرانی که دارای اعتماد به نفس بالا هستند اکثراً نسبت به تصمیمات خود و نتایج آن‌ها بخصوص در زمینه‌ی تصمیمات سرمایه‌گذاری بسیار خوش بین هستند (کوپر و همکاران، ۱۹۸۸) و تحت تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد و خوش بینی‌های مفرط، ممکن است تصمیمات غیرعقلانی اتخاذ گردد که تأثیر مهمی بر فعالیت‌های مالی دارند (بیکر و همکاران، ۲۰۰۷). معیار اندازه‌گیری بیش اطمینانی از طریق تفاوت سود پیش‌بینی شده سالانه توسط مدیریت و سود واقعی محاسبه می‌شود؛ اگر در طول دوره مورد مطالعه تعداد دفعاتی که مدیریت سود را بیش از واقع پیش‌بینی می‌کند، بیش از تعداد دفعاتی باشد که کمتر از واقع پیش‌بینی می‌کند، مدیریت دارای اعتماد به نفس بیش از اندازه خواهد بود و متغیر over مقدار یک می‌گیرد؛ در غیر این صورت برای این متغیر مقدار صفر در نظر گرفته می‌شود (دستگیر و همکاران، ۱۳۹۳).

۴. ۲. ۲. متغیر تعدیل کننده: توانایی مدیریت

در ادبیات حسابداری توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه‌ی انسانی شرکت است که به عنوان دارایی نامشهود طبقه‌بندی می‌شود؛ به عنوان مثال دمیرجان و همکاران (۲۰۱۲)، توانایی مدیریت را به عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند (حسنی القا و مرفوع، ۱۳۹۵). دمیرجان و همکاران (۲۰۱۲)، معیاری را برای توانایی مدیریت، با استفاده از اطلاعات حسابداری به کار می‌برند. برای تخمین توانایی مدیریت با استفاده از مدل دمیرجان و همکاران و مطابق با آنان از یک فرآیند دومارحله‌ای بهینه‌سازی خطی استفاده می‌شود. برای این منظور در گام نخست با استفاده از اجرای یک مدل تحلیل-پوششی داده‌ها، کارایی یک شرکت اندازه‌گیری می‌شود.

مدل (۱)

$$\text{Max } v_0 = (\text{Sales}) * (v_1 \text{CoGS} + v_2 \text{SG\&A} + v_3 \text{PPE} + v_4 \text{OpsLease} + v_5 \text{R\&D} + v_6 \text{Goodwill} + v_7 \text{OtherIntan})^{-1}$$

Sales: درآمدهای حاصل از فروش که به عنوان خروجی می‌باشد، CoGS: بهای تمام شده کالای فروش رفته، SG&A: هزینه‌های عمومی و اداری، PPE: اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، OpsLease: خالص اجاره عملیاتی، OtherIntan: دیگر دارایی‌های نامشهود، R&D: مخارج تحقیق و توسعه، Goodwill: سرقفلی.

کارایی محاسبه شده توسط این مدل عددی بین صفر و یک است. حداکثر کارایی شرکت برابر یک بوده و هرچه مقدار به دست آمده کمتر باشد، کارایی آن شرکت در صنعت کمتر است. دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲)، بر این باورند که رقم کارایی محاسبه شده در بالا، دربرگیرنده دو جزء ویژگی های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت است؛ بنابراین در گام دوم، برای کنترل تأثیر ویژگی های ذاتی شرکت، اقدام برای اجرای یک مدل رگرسیونی نمودند که شش ویژگی خاص شرکت شامل: اندازه شرکت، سهم بازار شرکت، میزان در دسترس بودن وجه نقد در شرکت، عمر بورسی شرکت، پیچیدگی های عملیاتی شرکت و عملیات خارجی شرکت را از کارایی کل شرکت تفکیک نموده و در نهایت مقدار باقیمانده این مدل منعکس کننده توانایی مدیریت شرکت است.

مدل (۲)

$$\text{Firm Efficiency} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Ln}(\text{Total Assets}) + \alpha_2 \text{Market Share} + \alpha_3 \text{Positive Free Cash Flow} + \alpha_4 \text{Ln}(\text{Age}) + \alpha_5 \text{Business Segment Concentration} + \alpha_6 \text{Foreign Currency Indicator} + \varepsilon$$

در مدل فوق Firm Efficiency: نشان دهنده کارایی شرکت است که از الگوی تحلیل پوششی داده ها در گام نخست به دست می آید، Total Asset: نشان دهنده لگاریتم طبیعی جمع دارایی های شرکت است، Market Shar: سهم بازار شرکت و برابر است با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت، Free Cash Flo: جریان وجوه نقد آزاد مثبت، Ln(Age): عمر پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار و برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سال های حضور شرکت در بورس اوراق بهادار است، Buseness Segment: نشان دهنده پیچیدگی عملیاتی شرکت است که در صورت ارائه صورت های مالی تلفیقی توسط شرکت عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ را می گیرد، Foreign Currency Indictor: یک متغیر دامی است و برای شرکت هایی که صادرات (فروش با ارز خارجی) داشته اند برابر یک؛ در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است و ε : باقیمانده مدل هست که نشان دهنده میزان توانایی مدیریت است.

از رابطه زیر برای محاسبه جریان نقد آزاد استفاده می کنیم:

مدل (۳)

$$FCF_{i,t} = (CFO_{i,t} - INT_{i,t} - T_{i,t} - DIV_{i,t} / A_{i,t})$$

که در مدل ذکر شده بالا FCF: جریان نقد آزاد،

CFO: جریان نقد عملیاتی، INT: سود عملیاتی، T: مالیات پرداختنی، DIV: سود تقسیمی، A: ارزش دفتری دارایی ها (دیمرجان و همکاران، ۲۰۱۲).

فرض تداوم فعالیت، یک اصل بنیادی در تهیه صورت های مالی است. طبق فرض تداوم فعالیت، واحد مورد رسیدگی معمولاً به عنوان واحدی فرض می شود که در آینده قابل پیش بینی به فعالیت خود ادامه می دهد و قصد یا الزامی برای انحلال، توقف فعالیت، یا کاهش قابل توجه در حجم عملیات را ندارد؛ بنابراین، دارایی ها و بدهی ها بر مبنای توانایی واحد مورد رسیدگی در بازیافت دارایی ها و تسویه بدهی ها در جریان عادی فعالیت های تجاری، ثبت می شود (استاندارد شماره ۵۷۰ حسابرسی، ۱۳۸۳). گزارش مبنی بر تداوم فعالیت، به صورت مستقیم، از طریق مشاهده عملکرد آتی شرکت توسط حسابرس ارائه می گردد؛ بنابراین بررسی ارتباط بین ویژگی های مدیریت (اعتماد به نفس بیش از حد و توانایی) و صدور گزارش مبنی بر تداوم فعالیت، نشان می دهد که آیا حسابرسان در هنگام صدور گزارش مبنی بر تداوم فعالیت،

علاوه بر دیگر ویژگی‌های شرکت، ویژگی‌های مدیریتی را هم در نظر می‌گیرند؟ متغیر صدور نظر حسابرس مبنی بر تداوم فعالیت در قالب مدل‌های سنجش فرضیه‌ها بررسی می‌گردد (کیم، ۲۰۱۷).

۴.۲.۳. مدل سنجش فرضیه‌ها

فرضیه اول

رابطه بین اعتماد به نفس مدیریتی و احتمال تداوم فعالیت را از مدل لجستیکی زیر مورد آزمون قرار می‌دهیم:

$$\text{GC}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{OVER}_{i,t} + \text{CONTROLS}_{i,t} + \varepsilon \quad (۴)$$

GC: مشابه پژوهش بهار مقدم و همکاران (۱۳۹۶) و یغمانی علیشاه و همکاران (۱۳۹۶) در صورتیکه گزارش حسابرسی شرکت حاوی بند تداوم فعالیت بوده است، به این صورت که حسابرس اظهار نااطمینانی نسبت به توانایی شرکت به ادامه فعالیت کرده باشد، یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

OVER: اعتماد به نفس بیش از حد؛ CONTROLS: مجموعه‌ای از متغیرهای کنترلی

فرضیه دوم

برای بررسی اثر کاهشی توان مدیریت، محقق HI-ABILITY و یک متغیر متعامل از OVER و HI-ABILITY را به مدل اضافه کرده است. همان‌طور که در زیر آمده است:

HI-ABILITY: مقدار ۱ را اختیار کرده، آن‌هم در صورتی که نمره توانایی مدیریت از سطح متوسط بالاتر باشد؛ در غیر این صورت مقدار ۰ را می‌گیرد.

مدل (۵)

$$\text{GC}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{OVER}_{i,t} + \beta_2 \text{HI_ABILITY}_{i,t} + \beta_3 \text{OVER} \times \text{HI_ABILITY}_{i,t} + \text{CONTROLS}_{i,t} + \varepsilon$$

فرضیه سوم

به‌وسیله اجرای مدل ۶ به‌صورت جداگانه برای گروه مدیریت قدرتمند و گروه کمیته حسابرسی قوی مورد آزمون قرار می‌گیرد. انتظار می‌رود که ضریب OVER برای گروه کمیته حسابرسی قوی‌تر باشد، زیرا حسابرسان کمتر نگران پیامدهای صدور نظرشان مبنی بر تداوم فعالیت هستند.

مدل (۶)

$$\text{GC}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{OVER}_{i,t} + \beta_2 \text{HI_ABILITY}_{i,t} + \text{CONTROLS}_{i,t} + \varepsilon$$

۴.۲.۴. متغیرهای کنترلی

در این پژوهش از متغیرهای کنترلی، SIZE (اندازه شرکت که از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها به دست می‌آید)، PY-LOSS (اگر شرکت در سال قبل درآمد منفی داشته باشد مقدار یک؛ در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد)، BIGN (شاخصی است که اگر شرکت توسط یک موسسه حسابرسی بزرگ حسابرسی شده باشد مقدار یک؛ در غیر این صورت مقدار صفر اختیار می‌کند) و Z SCORE (این متغیر نشان‌دهنده شاخص ورشکستگی است که مشابه پژوهش یانچشمه و صالحی (۱۳۹۴) از طریق مدل Z تعدیل شده آلتمن محاسبه شده است) بهره گرفته شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

۵.۱. آمار توصیفی

آمار توصیفی مربوط به نمونه مورد مطالعه این پژوهش در قالب جدول (۱) ارائه شده است. تعداد نمونه مورد بررسی شامل ۴۲۰ شرکت است. همان‌طور که مشخص است متوسط نمره توانایی مدیریت نمونه مورد مطالعه برابر با ۰/۴۴ است.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که حدود ۰/۲۴ درصد شرکت‌ها دارای بند تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی خود بوده‌اند. همچنین حدود ۰/۱۱ مشاهدات در دوره مالی قبل زیان گزارش نموده‌اند و ۰/۳۶ درصد شرکت‌ها با ریسک ورشکستگی مواجه بوده‌اند. نکته شایان ذکر در مورد آمار توصیفی، انحراف معیار نسبتاً زیاد مربوط به متغیر لگاریتم دارایی‌های شرکت است و کمترین آن مربوط به زیان سال قبل می‌باشد.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی مطالعه

متغیرهای پژوهش	نماد متغیرها	میانگین	میان	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
بیش اطمینانی	OVER	۰/۴۵	۰	۰/۴۹	۱	۰
گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت	GC	۰/۲۴	۰	۰/۴۳	۱	۰
کارایی	EFFICIENCY	۰/۵۷	۰/۵۶	۰/۳۲	۱	۰
توانایی مدیریت	HIABILITY	۰/۴۵	۰	۰/۴۹	۱	۰
اندازه شرکت	SIZE	۱۴/۳۰	۱۴/۰۸	۱/۲۴	۱۹/۱۵	۱۱/۹۸
زیان سال قبل	PYLOSS	۰/۱۱	۰	۰/۳۱	۱	۰
اندازه حسابرس	BIG	۰/۲۴	۰	۰/۴۳	۱	۰
شاخص ورشکستگی	ZSCORE	۰/۳۶	۰	۰/۴۸	۱	۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵. ۲. تخمین الگو

در این پژوهش از رگرسیون لجستیک برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. مدل لاجیت از جمله مدل‌هایی است که برای الگوسازی پدیده‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که متغیر وابسته آن‌ها کیفی است و دو طبقه دارند، لازم است توضیح داده شود که در مدل لاجیت جز اخلاص به دلیل موهومی بودن متغیر وابسته دارای ناهمسانی واریانس خواهد بود. آزمون صورت گرفته نیز، همین نتیجه را در بر دارد. اکنون لازم است مدل با جزئیات بیشتری بررسی گردد و از طریق آزمون z، معنی‌داری متغیرها نیز ارزیابی شود. در مدل لاجیت لازم است همه متغیرهای مدل نهایی معنی‌داری لازم را داشته باشند؛ اما همان‌طور که در جدول ۲ دیده می‌شود، چند متغیر مقدار Z کمی دارند و احتمال مربوط به آن‌ها نیز حاکی از عدم معناداری آن‌هاست؛ بنابراین، متغیرها به ترتیب عدم معناداری از مدل حذف می‌شوند و در هر مرحله، بهبود مدل مورد ارزیابی می‌گردد. شایان ذکر است که در هر بار کاهش متغیرها، نوع داده‌ها نیز تعیین می‌شود. در نهایت به منظور تفسیر ضرایب از اثر نهایی استفاده شده است.

آزمون فرضیه اول: این فرضیه رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت را بررسی می‌کند. با مراجعه به نتایج مدل اصلی در جدول (۲) می‌توان نتایج مربوط به آزمون Z را مشاهده نمود. مقدار آماره این متغیر ۲/۱۴ است. این مقدار بیش از مقدار Z مربوط به جدول احتمالات است و تأثیرگذاری این متغیر بر متغیر وابسته تأیید می‌شود. مقدار احتمال مربوط به این آزمون ۰/۰۳۲ است؛ بنابراین، در سطح اطمینان ۰/۹۵ این متغیر بر گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار داشته است. علامت مثبت ضریب این متغیر نشان می‌دهد، تأثیر این متغیر معنادار و مثبت بوده است. این مسئله با نتایج پژوهش کیم (۲۰۱۷) همسو می‌باشد.

تفسیر ضرایب مدل نهایی لاجیت

در الگوهای لاجیت و پرویت ضریب‌های برآورد شده اولیه فقط علائم تأثیر متغیرهای توضیحی را روی احتمال پذیرش متغیر وابسته نشان می‌دهند، ولی تفسیر مقادیری ندارد. در این حالت از اثر نهایی استفاده شده است؛ بنابراین در این فرضیه مشاهده شده است که در سطح اطمینان ۰/۹۵ بین بیش اطمینانی و گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت رابطه معنادار وجود دارد. از آنجا که ضریب بیش اطمینانی مثبت است این رابطه معنادار و مثبت می‌باشد. بدین صورت که در شرکت‌هایی با وجود مدیران بیش اطمینان، ۰/۱۰ بندهای تداوم فعالیت در گزارش حسابرس افزایش می‌یابد. همچنین نتایج نشان داده است که حسابرسی صورت‌های مالی توسط حسابرسان سازمان حسابرسی ۰/۱۸ بندهای تداوم فعالیت را کاهش داده است. از طرف دیگر در شرکت‌هایی که دچار ورشکستگی شده‌اند، صدور گزارش‌هایی حاوی بند تداوم فعالیت ۰/۱۱ افزایش یافته است. با توجه به نتایج جدول (۲) فرضیه اول مبنی بر وجود رابطه معنادار بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت پذیرفته می‌شود.

جدول ۲. نتایج مدل لاجیت با اثرات تصادفی برای آزمون فرضیه اول

$GCI_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OVER_{i,t} + CONTROLS_{i,t} + \varepsilon$							
مدل نهایی لاجیت				مدل اولیه لاجیت			
اثر نهایی	معنی داری	آمار Z	ضرایب	معنی داری	آمار Z	ضرایب	متغیرهای پژوهش
۰/۱۰۶	*۰/۰۲۷	۲/۲۱	۰/۵۱۴	*۰/۰۳۲	۲/۱۴	۰/۵۰	بیش اطمینانی
-	-	-	-	۰/۹۲	۰/۰۹۸	۰/۰۱	اندازه شرکت
-	-	-	-	۰/۱۸	۱/۳۲	۰/۴۶	زیان سال قبل
-۰/۱۸۳	*۰/۰۰۶	-۲/۷۱	-۰/۸۸۸	*۰/۰۰۵	-۲/۷۶	-۰/۹۳	اندازه حسابرس
۰/۱۱۷	*۰/۰۱۴	۲/۴۵	۰/۵۷۱	*۰/۰۳۹	۲/۰۶	۰/۵۱	ورشکستگی
ضریب مک فادن: ۰/۰۴۷				ضریب مک فادن: ۰/۰۵			
نسبت درست‌نمایی: ۲۲۷/۰۸-				نسبت درست‌نمایی: ۲۲۶/۲۲-			
آماره LR: ۲۲/۵۲				آماره LR: ۲۴/۲۵			
سطح معناداری مدل: ۰/۰۰۰				سطح معناداری مدل: ۰/۰۰۰			
درصد صحت پیش‌بینی مدل: ۷۴/۵۲				درصد صحت پیش‌بینی مدل: ۷۵/۹۵			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

آزمون فرضیه دوم: این فرضیه اثر توانایی مدیریت، بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت را بررسی می‌کند. با مراجعه به نتایج مدل اصلی در جدول (۳) می‌توان نتایج مربوط به آزمون Z را مشاهده نمود. مقدار آماره متغیر (توانایی مدیریت * بیش اطمینانی) ۰/۵۸- است. این مقدار کمتر از مقدار Z مربوط به جدول احتمالات است و تأثیرگذاری این متغیر بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و صدور گزارش مبنی بر تداوم فعالیت رد می‌شود. مقدار احتمال مربوط به این آزمون ۰/۵۵ است؛ بنابراین، در سطح اطمینان ۰/۹۵ توانایی مدیریت بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و صدور گزارش مبنی بر تداوم فعالیت، تأثیر معناداری نداشته است؛ بنابراین فرضیه دوم مبنی بر اثر توانایی مدیریت، بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت، پذیرفته نمی‌شود. از طرفی نتایج نشان داده است که توانایی مدیران بر گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار و منفی

داشته است. به طور مشابه نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش کیم (۲۰۱۷) همسو نمی باشد؛ اما با نتایج حاصل از پژوهش حیدری و دهکردی (۱۳۹۴) همسو می باشد.

جدول ۳. نتایج مدل لاجیت با اثرات تصادفی برای آزمون فرضیه دوم

$GC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OVER_{i,t} + \beta_2 HI_ABILITY_{i,t} + \beta_3 OVER \times HI_ABILITY_{i,t} + CONTROLS_{i,t} + \varepsilon$			
مدل لاجیت			
متغیرهای پژوهش	ضرایب	آمار Z	معنی داری
بیش اطمینانی	۰/۵۹۵	۱/۹۲	۰/۰۵۴
توانایی مدیریت	-۰/۷۱۹	-۲/۱۰	۰/۰۳۵
بیش اطمینانی*توانایی مدیریت	-۰/۲۸۲	-۰/۵۸	۰/۵۵
اندازه شرکت	۰/۰۱۲	-۰/۱۱۶	۰/۹۰
زیان سال قبل	۰/۴۹۴	۱/۳۹	۰/۱۶۳
اندازه حسابرس	-۰/۹۵۷	-۲/۷۹	۰/۰۰۵
شاخص ورشکستگی	۰/۵۳۵	۲/۰۹	۰/۰۳۶
ضریب مک فادن: ۰/۰۴۹ نسبت درست نمایی: ۲۳۶/۱۸- آماره LR: ۲۳/۲۵ سطح معناداری مدل: ۰/۰۰۰ درصد صحت پیش بینی مدل: ۷۴/۲۹			

منبع: یافته های پژوهشگر

آزمون فرضیه سوم

در این فرضیه به بررسی قدرت بیشتر کمیته حسابرسی نسبت به مدیریت، بر رابطه بین ویژگی های مدیریت (بیش اطمینانی و توانایی) و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت، پرداخته شده است. با توجه نتایج جدول (۴) مشاهده می شود که احتمال به دست آمده برای بیش اطمینانی ۰/۰۳۷ می باشد. از آنجا که مقدار این احتمال کمتر از ۰/۰۵ است، این نتیجه حاصل می شود که در سطح اطمینان ۰/۹۵ بین بیش اطمینانی مدیران با صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت، در گروه کمیته حسابرسی قوی، رابطه معنادار وجود دارد. علامت ضریب این متغیر نشان می دهد که این رابطه معنادار و مثبت بوده است. از طرفی نتایج نشان داده است که توانایی مدیریت در گروه کمیته حسابرسی قوی، بر تغییر حسابرس اثر معناداری داشته است. مقدار احتمال مربوط به این متغیر برابر با ۰/۰۲۵ است، بنابراین در سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد بین توانایی مدیریت و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت رابطه معنادار و منفی وجود دارد. با مقایسه این ضرایب با گروه مدیریت قوی، مشاهده می شود که در سطح اطمینان ۰/۹۵ فرضیه سوم مبنی بر قدرت بیشتر کمیته حسابرسی نسبت به مدیریت، بر رابطه بین ویژگی های مدیریت (بیش اطمینانی و توانایی) و ارائه گزارش مبنی بر تداوم فعالیت، پذیرفته خواهد شد.

جدول ۴. نتایج مدل لاجیت با اثرات تصادفی برای آزمون فرضیه سوم

$GC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OVER_{i,t} + \beta_2 HI_ABILITY_{i,t} + CONTROLS_{i,t} + \varepsilon$						
شرکت‌هایی با کمیته قوی			شرکت‌هایی با مدیریت قوی			
معنی‌داری	آمار Z	ضرایب	معنی‌داری	آمار Z	ضرایب	متغیرهای پژوهش
*۰/۰۳۷	۲/۰۷	۰/۶۹۸	۰/۲۳	۱/۱۸	۰/۴۰۷	بیش اطمینانی
*۰/۰۲۵	-۲/۲۳	-۰/۷۴۹	*۰/۰۰۱	-۳/۲۳	-۱/۱۴	توانایی مدیریت
۰/۷۸	۰/۲۷	۰/۰۳۴	۰/۵۲	-۰/۶۳	-۰/۱۲۰	اندازه شرکت
*۰/۰۰۷	-۲/۶۸	-۱/۱۸	۰/۳۷	-۰/۸۸	-۰/۴۵۵	اندازه حسابرس
۰/۷۰	۰/۳۷	۰/۱۸۲	۰/۱۱	۱/۵۷	۰/۸۴۸	زیان سال قبل
۰/۶۵	۰/۴۴	۰/۱۶۵	*۰/۰۲۸	۲/۱۹	۰/۷۸۸	شاخص ورشکستگی
ضریب مک فادن: ۰/۰۸۲ نسبت درستمایی: ۱۱۳/۴۵- آماره LR: ۲۰/۳۰ سطح معناداری مدل: ۰/۰۰۲ درصد صحت پیش‌بینی مدل: ۷۵/۰۰			ضریب مک فادن: ۰/۰۹۹ نسبت درستمایی: ۱۰۵/۲۷- آماره LR: ۲۳/۱۸ سطح معناداری مدل: ۰/۰۰۰ درصد صحت پیش‌بینی مدل: ۷۵/۹۸			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

تفسیر ضرایب فرضیه سوم

در این فرضیه به بررسی قدرت بیشتر کمیته حسابرسی نسبت به مدیریت، بر رابطه بین ویژگی‌های مدیریت (بیش اطمینانی و توانایی) و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت، پرداخته شد. نتایج حاصل از تخمین رگرسیون در جدول (۵) نشان داده است که بین بیش اطمینانی با صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت، در شرکت‌هایی با کمیته حسابرسی قوی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. درواقع در شرکت‌هایی با حضور کمیته حسابرسی قوی نسبت به مدیریت قوی، بیش اطمینانی مدیران موجب افزایش بندهای تداوم فعالیت، به میزان ۰/۱۴ خواهد شد. از طرفی نتایج حاکی از آن است که توانایی مدیریت در گروه کمیته حسابرسی قوی، بر گزارش مبتنی بر ابهام در تداوم فعالیت اثر معنادار و منفی داشته است. این بدان معناست که حضور مدیران توانمند در شرکت‌هایی با کمیته حسابرسی قوی ۰/۱۴ درصد، صدور گزارش مبتنی بر ابهام در تداوم فعالیت را کاهش داده است. از طرف دیگر، شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده‌اند، بندهای مربوط به تداوم فعالیت ۰/۲۳ درصد کاهش یافته است.

جدول ۵. نتایج مدل نهایی لاجیت برای آزمون فرضیه سوم

$GC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OVER_{i,t} + \beta_2 HI_ABILITY_{i,t} + CONTROLS_{i,t} + \varepsilon$				
متغیرهای پژوهش	ضرایب	آمار Z	معنی داری	اثر نهایی
بیش اطمینانی	۰/۷۳۶	۲/۲۵	*۰/۰۲۴	۰/۱۴۵
توانایی مدیریت	-۰/۷۵۷	-۲/۲۵	*۰/۰۲۳	-۰/۱۴۹
اندازه حسابرس	-۱/۱۸	-۲/۷۶	*۰/۰۰۵	-۰/۲۳۳
ضریب مک فادن: ۰/۰۸۰				
نسبت درست‌نمایی: ۱۱۳/۶۶-				
آماره LR: ۱۹/۹۰				
سطح معناداری مدل: ۰/۰۰۰				
درصد صحت پیش‌بینی مدل: ۷۴/۰۷				

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۳.۵. نتایج آزمون هاسمر-لمشو فرضیه‌های پژوهش

آزمون هاسمر-لمشو نیز برای قدرت توضیح دهنده‌ی مدل‌های لاجیت و پروبیت قابل استفاده است. آزمون مذکور، مشاهدات واقعی و برآورد شده مربوط به متغیر وابسته را به طبقاتی رده‌بندی می‌کند و در هر طبقه میزان برابری مقادیر پیش‌بینی‌شده و واقعی را مقایسه می‌کند و بر اساس مقایسه‌های صورت گرفته دو آماره با نام‌های آماره هاسمر-لمشو و آماره اندروز ارائه می‌کند، در هر دو آماره مذکور، فرض صفر مبتنی بر برابری مشاهدات پیش‌بینی‌شده و واقعی مربوط به متغیر وابسته و فرضیه مقابل بیانگر توان تبیین ضعف مدل است. نتایج آزمون هاسمر-لمشو در جدول (۶) ارائه شده است، چنانچه مقدار احتمال آماره هاسمر-لمشو بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه فرض صفر مبنی بر اینکه پذیرفته و قابلیت تبیین مطلوب مدل پذیرفته می‌شود.

جدول ۶. نتایج آزمون هاسمر-لمشو برای مدل نهایی لاجیت

مدل نهایی آزمون فرضیه‌ها	آماره هاسمر-لمشو	مقدار احتمال
فرضیه اول	۹/۸۵	*۰/۲۷۵
فرضیه دوم	۱۶/۷۳	*۰/۰۵۱
فرضیه سوم	۱۵/۰۶	*۰/۰۵۷

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۴.۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مدیریت شرکت با تأثیرگذاری مستقیم بر سیاست‌های کلی نقش مهمی را در کیفیت و اعتبار اطلاعات ارائه شده در گزارش‌های مالی ایفا کرده و در صورت عملکرد ضعیف مدیریت، ممکن است تداوم فعالیت شرکت با ابهام مواجه شده و این خود موجب تعدیل اظهارنظر حسابرسی گردد. حسابرسان موظف هستند ارزیابی مدیریت از توانایی واحد مورد رسیدگی به ادامه فعالیت و ابهام با اهمیت یا اساسی در مورد تداوم فعالیت صاحب کار که نیاز به افشا در صورت‌های مالی دارد را بررسی کنند. بنا بر آنچه گفته شد می‌توان چنین استنباط کرد که مدیریت با تأثیرگذاری مستقیم بر عملکرد شرکت، موجب تغییر ریسک عملیاتی شرکت شده و از این طریق بر ریسک حسابرسی تأثیرگذار است. یکی از

ویژگی‌های شخصیتی مدیران، بیش اطمینانی مدیریت است. همچنین یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر ریسک‌پذیری، بیش اطمینانی است. از طرفی توانایی مدیریت با تأثیرگذاری بر عملیات و همچنین محیط اطلاعاتی شرکت می‌تواند نقش بسزایی در موفقیت یک شرکت داشته باشد.

این پژوهش درصدد مطالعه ارتباط بین بیش اطمینانی مدیران و اظهارنظر حسابرس مبنی بر تداوم فعالیت و همچنین بررسی اثر توانایی مدیریت بر این رابطه است. در این راستا اطلاعات مربوط به بند تداوم فعالیت از طریق بندهای مربوط به تداوم فعالیت از گزارش حسابرس مستقل استخراج شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت رابطه معنادار و مثبت وجود دارد؛ این نتیجه با نتیجه پژوهش کیم (۲۰۱۶) همسو بوده است؛ بنابراین به هیئت‌مدیره شرکت‌ها و سایر سرمایه‌گذاران نهادی پیشنهاد می‌شود که به‌منظور تقویت نظام مدیریتی خود و همچنین بهبود در گزارش‌های مالی خود به‌منظور کاهش در بندهای مربوط به تداوم فعالیت در گزارش حسابرس در انتخاب مدیرانی با اطمینان به نفس بالا احتیاط لازم را به عمل آورند. نتایج حاصل از رگرسیون فرضیه دوم نشان می‌دهد که توانایی مدیران بر رابطه بین بیش اطمینانی و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت حسابرس اثر معناداری نداشته است. همچنین نتایج نشان داده است که قدرت بیشتر کمیته حسابرسی نسبت به مدیریت، بر رابطه بین ویژگی‌های مدیریت (بیش اطمینانی و توانایی مدیریت) و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت، تأثیر معنادار و مثبت داشته است؛ که این مسئله با نتایج پژوهش کیم (۲۰۱۷) همسو می‌باشد؛ بنابراین نتایج این پژوهش می‌تواند برای سرمایه‌گذاران نهادی و هیئت‌مدیره نیز مفید باشد. از آنجا که توانایی مدیران بر کاهش بندهای تداوم فعالیت تأثیر معناداری داشته است، پیشنهاد می‌شود از مدیران توانمند در سازمان‌ها بهره گرفته شود؛ بنابراین نتایج این پژوهش از چند جنبه حائز اهمیت است؛ نخست اینکه ویژگی‌های مدیران ازجمله بیش اطمینانی مدیران از آنجا که در تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری تأثیر دارد، بر ارزش شرکت و در نتیجه تداوم فعالیت شرکت تأثیر مهمی دارد. از طرفی حضور مدیران توانمند شواهد مهمی را در کاهش وجود بندهای تداوم فعالیت را فراهم کرده است. از طرفی در شرکت‌هایی با مدیریت قوی شدت رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت نسبت به شرکت‌هایی با کمیته قوی، ضعیف‌تر است.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

همچنین در راستای پژوهش حاضر، محورهای زیر برای انجام پژوهش‌های بیشتر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- بررسی ویژگی‌های هیئت‌مدیره، میزان سهام در تملک مدیران، ویژگی مدیران، مالکیت غالب سهامداران و شاخص بتا، نسبت سرمایه‌گذاری بر صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت
- ۲- بررسی رابطه توانایی مدیریت بر رابطه بین ضعف کنترل‌های داخلی و تغییر حسابرس در سال بعد از صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت
- ۳- بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر سایر شاخص‌های کیفیت محیط اطلاعاتی؛ شامل خصوصیات کیفیت سود
- ۴- مطالعه ارتباط بین بیش اطمینانی و توانایی مدیریت با دیگر انواع اظهارنظر حسابرس

۶. منابع و مآخذ

۱. ایزدی نیا، ناصر؛ گوگردچیان، احمد و مژگان تنباکویی. (۱۳۹۳). تأثیر توانایی مدیریتی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۶، شماره ۳، صص ۳۶-۲۱.
۲. جلیلی، آرزو؛ نیکو مرام، هاشم و فریدون رهنمای رودپشتی. (۱۳۹۲). تأثیر سوگیری‌های قضاوتی بر کارکرد تکنیک‌های حسابداری مدیریت، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال ششم، شماره شانزدهم، صص ۷۵-۹۰.
۳. حسنی‌الفا، مسعود؛ مرفوع، محمد. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر سیاست تقسیم سود، مجله پژوهش‌های حسابداری سال ششم شماره ۳۳ صص ۱۰۳-۱۲۹.
۴. دستگیر، محسن؛ میرکی، فواد؛ کاظمی نوری، سپیده. (۱۳۹۳). تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد بر آشفته‌گی مالی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۳۷-۵۱.
۵. رضایی، حمیدرضا؛ کریمی پورنمچ، عیسی؛ قناد، مصطفی. (۱۳۹۴). نقش توانایی مدیریت در تغییر داوطلبانه و اجباری حسابرس، پژوهش‌های کاربردی در حسابداری مالی، سال چهارم، شماره هفتم، صص ۱۴۵-۱۷۰.
۶. رهنمای رودپشتی، فریدون. (۱۳۸۷). مبانی حسابداری مدیریت: رویکرد و دیدگاه نوین، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
۷. رهنمای رودپشتی، فریدون؛ زندیه، وحید. (۱۳۹۱). مالی رفتاری و مالی عصبی (پارادایم نوین مالی)، از تئوری تا عمل، دانشگاه آزاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۸. سپاسی، سحر؛ اسدی وصفی، مهدی. (۱۳۹۵). بیش اعتمادی مدیران و حق الزحمه حسابرسی با تأکید بر نقش کمیته حسابرسی. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۵.
۹. سعیدی، علی و فرهانیان، س م ج. (۱۳۹۰). مبانی اقتصاد و مالی رفتاری: شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس.
۱۰. فرج زاده دهکردی، حسن؛ حیدری، ناهید. (۱۳۹۵)، بررسی رابطه توانایی مدیریت با حق الزحمه و اظهارنظر حسابرسی پیرامون تداوم فعالیت، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۲۲۱-۲۳.
۱۱. فلاح شمس لیالستانی، م؛ قالیباف اصل، ح؛ سرابی نوبخت، س. (۱۳۸۹). بررسی اثر تجربه بر ریسک‌پذیری، بیش اطمینانی و رفتار توده‌وار مدیران شرکت‌های سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران، بورس اوراق بهادار، زمستان ۱۳۸۹، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۲۵-۴۲.
۱۲. کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی. (۱۳۸۳). استاندارد ۵۷ سازمان حسابرسی، تهران: سازمان حسابرسی.
۱۳. مرادی، محمد؛ اصولیان، محمد؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۳). اظهارنظر حسابرس و مدیریت سود با تأکید بر ابهام در تداوم فعالیت، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۳، صص ۳۱۳-۳۲۸.
۱۴. مرادیان، الهه. (۱۳۸۹). حسابداری و امین اموال، بهمن ۱۳۸۹.
۱۵. نمازی، محمد؛ غفاری، محمدجواد. (۱۳۹۴). بررسی اهمیت و نقش اطلاعات توانایی مدیران و نسبت‌های مالی به عنوان معیاری در انتخاب سبد بهینه سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (با استفاده از تحلیل پوششی داده‌ها)، فصلنامه علمی-پژوهشی حسابداری مالی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۱-۲۹.

16. Andreou, Panayiotis C., Ehrlich, Daphna, and Christodoulos Louca. (2013). Managerial Ability and Firm Performance: Evidence from the Global Financial Crisis.
17. Beck, M. J., and E. G. Mauldin. 2014. Who's really in charge? Audit committee versus CFO power and audit fees. *The Accounting Review* 89(6): 2057-2085
18. Chen, C. X., Gores, T., Nasev, J. (2013). Managerial Overconfidence and Cost. Stickiness Working Paper, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2208622>.
19. COSO. (2013). "Internal control-integrate Framwork: Executive summary". WWW.COSO.org
20. Cooper, A.C., Woo, C., & Dunkelberg, W., (1988). Entrepreneurs perceived chances for success. *Journal of Business Venturing*, Vol 3, Pp 97-108.
21. Demerjian P., Lev B, McVay S. (2012). Quantifying managerial ability: A new easure and validity tests. *Management Science*, Vol 58(7), pp: 1229-1248
22. Hayes, R. M., and S. Schaefer. *How much are differences in managerial ability worth?* *Journal of Accounting and Economics*, 1999, 27, P.125-148.
23. Hribar, P., Yang, H., 2016. CEO overconfidence and management forecasting. *Contemp. Account. Res.* 33 (1), 204-227
24. Kim, Mindy; (2017). "The impact of managerial overconfidence and ability on Auditor Going-Concern Decisions and Auditor Termination". George Mason University.
25. Libby, R. & Rennekamp, K, (2012), "Self-Serving Attribution Bias, Overconfidence, and the Issuance of Management Forecasts", *Journal of Accounting Research*, 50(1), PP. 197-231
26. Malmendier, U., & Tate, G. (2005). CEO overconfidence and corporate investment *The journal of finance*, 60(6), 2661-2700
27. Patrick G. Badolato, Dain C. Donelson, Matthew Ege (2014). "Audit committee financial expertise and earnings management: The role of status", *Journal of Accounting and Economics*, 58, 208-230
28. Presley, T. J., & Abbott, L. J. (2013). AIA submission: CEO overconfidence and the incidence of financial restatement. *Advances in Accounting*, 29(1), 74-84.

The Impact and Ability of Managerial on relationship between Overconfidence and Publication of the auditor's report containing the Going-Concern

Mehri AliMoradi 1
Hadis Abdi * 2

Date of Receipt: 2020/12/06 Date of Issue: 2020/12/16

abstract

An overview of the effect of managerial overconfidence on corporate policies, such as corporate accounting policies and policies, is an important issue, since Overconfidence can lead to decisions that eliminate the value of a company And the Going-Concern of companies with the risk of bankruptcy faces. Therefore, the purpose of this study was to study the overconfidence impact on the issuance of the auditor going-concern decisions; A further test was conducted to investigate the effect of management's ability on the issuance of the auditor going-concern decisions. The statistical population of this study is all companies accepted in Tehran Stock Exchange during the years 2012-2017, after the screening of 70 companies. In this study, the logistic method has been used due to the type of data and the limited access to them. Based on the results of testing the hypotheses in this research, it can be said that there is a significant and positive relationship between the overconfidence of the managers and the issuance of the auditor's report containing the clause of the going-concern. Also, the results have shown that the relationship between overconfidence of managers and the issuance of an auditor's report contains a strand of going-concern in companies with strong audit committees than those with strong management. Also, the findings of this research indicate that the ability of managers did not have a significant effect on the relationship between the overconfidence and the issuance of the auditor's report containing the clause of the going-concern

Keywords

Managerial Overconfidence, ability of managers, issuance of auditor's report including Going-Concern

1. Master of Accounting, Razi University, Kermanshah, Iran. alimoradimehri1991@gmail.com

2. Master of Accounting, Razi University, Kermanshah, Iran. (Responsible author) hadisabdi.2020@gmail.com